

از حقوق دمکراتیک خلق پاسداری کنیم، نظم انقلابی بوجود آوریم

چند روزی است که از واقعه دستگیری دو تن از فرزندان حضرت آیت الله طالقانی مجاهد بزرگ توسط پاسداران یکی از کمیته‌های محلی انقلاب در تهران میگذرد. این واقعه انعکاس وسیعی یافته و موجی از اعتراض و محکومیت علیه این عمل مرتجعانه از طرف توده‌های مردم تهران و نیروهای مختلف سیاسی برخاسته است. ما به همراهی توده‌های وسیع خلق و دیگر نیروهای سیاسی ملی مرتکبین این عمل را محکوم کرده و خواستار شناسائی، معرفی و مجازات این گونه عناصر مرتجعانه و آزادیهای خلق هستیم. این واقعه نمونه روشنی از

تجاوز به حقوق دمکراتیک خلق و اخلاف در نظم انقلابی است. نمونه اعمالی است که به انقلاب ضربه زده و موجب ایجاد زمینه برای فعالیت‌های عناصر ضد انقلاب گشته و به نفع آنها بدست آنها میدهد که ما هیت مترقی جنبش خلق را، لووت نمایند.

ایجاد نظم انقلابی تنها بر پایه بسط دمکراسی در درون خلق پاسداری از حقوق و آزادیهای او از یک سو و سرکوب و دیکتاتور بر ضد خلق امکان پذیر است. هر جا که به حقوق و آزادیهای خلق تجاوز شود دشمن زمینه رشد مییابد و مبارزه ضدا مپریالیستی را تضعیف میکند.

بقیه در صفحه پنجم

۵

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

فروردین ۱۳۵۸
هفته چهارم

تک شماره ۱۰ ریال

میتینگ ۲۴ فروردین سازمان انقلابی



همه مشت‌ها علیه ابرقدرت‌ها روسیه و آمریکا

(متن سخنرانی رفیق علی صادقی)

متن سخنرانی رفیق علی صادقی - از اعضاء رهبری سازمان انقلابی - که برای قرائت در میتینگ جمعه ۲۴ فروردین تهیه شده بود، جهت آگاهی همیهنان عزیز درج میگردد.

همیهنان، خواهران و برادران عزیز، رفقا:

با درودی بی پایان به رزمندگان خفته در خون خلق که در این بهار آزادی جایشان خالی است و با اعلام تهنیت به مردم قهرمان ایران که تحت رهبری امام خمینی انقلاب ضدا مپریالیستی و ضداستبدادی را در کشورمان به ثمر رساندند و رژیم پهلوی را سرنگون نمودند. رژیمی را که سالیان دراز خون مردم ما را برای امپریالیستها و مرتجعین داخلی حلال کرده بود و دسترنج میلیون‌ها نفر زحمتکش ایرانی را همراه منابع طبیعی فراوان کشورمان در طبق اخلاص گذاشته و بفارغ‌تنگان و دزدان بین‌المللی هدیه میکرد. درود بر مردمی که با برگزاری موفقیت آمیز فرسرا ن دوم جمهوری اسلامی را مستقر ساخته و بالاخره با تقدیم گرمترین سلامهای سازمان انقلابی به کلیه شرکت کنندگان مبارز در این میتینگ، سخنان خود را آغاز میکنند.

سازمان انقلابی که در شرایط مخفی سالها همدوش با خلقهای ستمدیده ی

میتینگ ضدا مپریالیستی "سازمان انقلابی" و دیگر جمعیت‌های مبارز ضدا مپریالیست در روز جمعه پیش در پارک شهر برگزار شد. گرچه به علل اخلاف عوامل ناآگاه و همچنین توطئه‌گری عناصر ساواک و مزدوران روسیه، رفیق صادقی موفق به ایستاد سخنرانی خود نشد، اما مانند تدارک، برگزاری پیاپیها و مجموعه این حرکت را مثبت ارزیابی میکنیم:

- جریان تدارک و بسیج سیاسی توده‌ها برای این اجتماع بیک جریان توده‌ای دو هفته‌ای کار سیاسی تبدیل شد. دهها هزار اعلامیه و تراکت در سطح شهر پخش شده و مواضع سازمان برای اولین بار به آگاهی توده‌ی وسیعی رسید و در اکثریت عظیم موارد با استقبال آنها روبرو شد.

جریان برگزاری و تدارک

تخریب در میتینگ اعلامیه

سازمان انقلابی سعنان یک سازمان ما، کست...

خود را آغاز می‌کنیم. سازمان انقلابی که در شرایط مخفی سالها هم‌دوش با خلقهای ستم‌دیده‌ی کشورمان مبارزه کرده و سهم هر چند کوچک ولی موثری را در مبارزه علیه امپریالیسم ورژیم وابسته به امپریالیسم شاه‌خائن، فاسد، خونخوار و بیگانه پرست و ناپسندیده‌ی مرتجعترین طبقات ضدانقلابی جامعه‌ی ما یعنی سرمایه‌داری کمپرادوری (دولتی و خصوصی) و بقایای مالکین ارضی داشته است، بدان جهت مردم مبارزتهای زیاد عوت به این میتینگ نموده است که از یکسودسیسه‌های امپریالیستها و عمال آنها از آذربایجان تا بلوچستان از کردستان تا ترکمن صحرا، از خوزستان تا فارس و سواحل خلیج فارس و دریای عمان وضعیت خطرناک جنگ داخلی را بوجود آورده و از سوی دیگر علی‌رغم ضربات و لطماتی که خلقهای میهن ماطی سالهای متمادی از امپریالیسم دیده‌اند در صفوف خلق در آرزوی آزادی امپریالیستها و بویژه خطرناکترین آنها یعنی دوا بر قدرت آمریکا و روسیه اشتباهات و خیالهای واهی‌ای بوجود آمده است که برای ادامه‌ی انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک و تحکیم و تعمیق دستاوردهای آن بغایت مضر بوده و مردم قهرمان و مبارز میهن‌مان را در ساختن ایرانی مستقل، آزاد، شکوفا و منگی بخود دچار مشکلات عظیمی خواهد ساخت در حالیکه امروز با یدهم‌صدا با هم مشت‌های خود را علیه مداحات ابرقدرت‌های روسیه و آمریکا بلندکنیم و متحداً بر سر آنها بکوبیم.

استقبال آنها روبرو شد. جریان برگزاری و تدارک میتینگ به سازماندهی رفقا و هواداران ما کمک شایانی نمود و نیروهای ما را برای مبارزات بعدی متشکل تر و فشرده‌تر کرد. توده‌های بیشتری به خط مشی سازمان مسلح و نسبت به آن متعهد شدند و گردانهای مبارز جدیدی بوجود آمدند. ما با اتکاء به نیروی خود میتینگ را برگزار کردیم و به هیچ نیروی سیاسی دیگری جز توده‌ها و سازمان خودتکیه نکردیم. تا حد زیادی موفق شدیم جریان تخریب در میتینگ را بقیه در صفحه سوم

سازمان انقلابی بعنوان یک سازمان مارکسیستی-لنینیستی با اعتقاد به انقلاب پیروزمند اسلامی مردم ایران بر رهبری امام خمینی و با درک لزوم هوشیاری در برابر توطئه‌های امپریالیستی علیه انقلاب اسلامی ایران تصمیم گرفت که در روز ۲۴ فروردین ماه میتینگ در محل پارک شهر تهران برگزار نماید. هدف از این میتینگ در اعلامیه سازمان بشرح زیر اعلام گردید: بقیه در صفحه دوم

خواستهای بحق خلق عرب

در خوزستان

نوشته زیر پیمای است که یکی از میهن پرستان خلق عرب خوزستان به میتینگ ۲۴ فروردین سازمان فرستاده و طی آن فعالیت‌های اساسی خلق عرب خوزستان را مطرح می‌سازد.

درود ما به رهبران انقلاب پیروزمند اسلامی امام خمینی- درود ما به شهدای کلیه ملیت‌های ایران که سهمی واقعی در پیروزی داشته و در این بهار آزادی جایشان در میان ما خالیست. برادران و خواهران عزیز، هنگامیکه سلطه شوم رژیم منفور پهلوی بر میهن ما حاکمیت داشت ما بخاطر برانداختن آن، در امر وحدت با فشاری کردیم و با تمام ملیت‌ها متحداً زیر رهبری امام خمینی پیروزی بزرگ بدست آوردیم. قیل از ایجاد جریان بسزرگ انقلاب بر اثر نفاق افکنی رژیم پهلوی، بر اثر وجود شرایط ترور و اختناق یگانگی بروحدت ما غالب بود.

انقلاب این وضع را تغییر داد و وحدت مبارزه را بوجود آورد و در سایه آن ما گامی در راه پیروزی برداشتیم که با تمام عظمتش تنها اولین گام محسوب میشود. بخصوص این مطلب در مورد خلق ما بیشتر صادق است. از نظر فرهنگی، بهداشت، معیشت و غیره خلق ما مانند دیگر خلقهای تحت ستم کشورمان در شرایط سختی قرار دارد. فرهنگ: ۹۷٪ مردم ما بیسوادند و در دهات بصورت عشیرهای و منفرد زندگی میکنند. در امر بهداشت، یک چیز بسیار مانده: چشم‌ان تراخیم گرفته و صورت آبله‌اشی و مرگ و میراطفال در سنین کم. از مسکن چیزی نخواهم گفت جز دعوت عموم از دیدن کپره‌های بی دروپیکر آنها که نشانه باصلاح تمدن بزرگ شده است و پیشانی چروک گرفته ساکنین حکایت از درون میکنند.

دیری نیاید که به برکت پیروزی انقلاب با رهبر عظیم‌الشان ملت ایران امام خمینی به قدرت پوشالی و وابسته به ابرقدرت‌ها پایان داد تا ما خلقهای تحت ستم حقوق حقه‌ی خود را در چهار رجب و وحدت خلقهای ایران، ایرانی مستقل و منگی بخود بیان کنیم و پشتیبانی خود را از کلیه نیروهای مترقی اعلام و از حکومت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی در امر پیشبرد خواسته‌های خلق عرب جواب مثبت دریافت کنیم.

ما خلق عرب خوزستان از سه موضع ذیل یکی راصحیح و دود دیگر را محکوم میکنیم:

- ۱- آنها تکیه خواهند که خوزستانی مجزا هستند محکومند.
- ۲- آنها تکیه در اندیشه وصل عرب خوزستان بکشورهای سرمایه داری عرب دیگر یا در اتکاء به ابرقدرت‌های روس و آمریکا هستند محکومند.

بقیه در صفحه دوم

روستائیان ارومیه در معرض خطر جدی هستند



مشتی فتودال و خان واریاب در مناطق صومالی، برادوست، مرگور، ترگور در غرب و شمال غربی ارومیه، (از بیست کیلومتری شهر تا مرز ترکیه) به بیش از صدده حمله کرده و با تهدید، شکنجه و کشتار دهقانان دهها هزار نفر از آنها را آواره نموده و زمینهایشان را غصب کرده‌اند.

علیرغم اصلاحات ارضی نیم بند اکثر این خانها واریابان در دهات مناطق فوق دارای بهترین و زیاده‌ترین زمینها بوده اند و به همین دلیل در این دهات آموذ شد کرده و اعمال نفوذ مینموده‌اند. آنها که همواره حامی و پشتیبان رژیم سابق و یکی از پایه‌های اساسی او را تشکیل می‌داده‌اند، از ماها قبل، یعنی زمانیکه مبارزات مردم روز به روز رشد و توسعه مییافت و میرفت تا رژیم منفور شاه را سرنگون کنند دست به تدارک حمله خود و تصاحب زمین دهقانان زده بودند. عده‌ای از این اربابها و خانها عامل ساواکند و دیگران علناً با رژیم سابق و ساواک همکاری داشته‌اند.

توسط عمال ساواک مانند عادل رسولی (یکی از فتودال‌های هاشم آباد) و مزدورانی چون سروان سیفی (که اعدام شده) شروع به خلع سلاح پاسگاههای ژاندارمری میکنند و اسلحه بدست می‌آورند. بقیه در صفحه سوم

بعد از پیروزی انقلاب، ابتدا اربابها و خانها از دهقانان می‌خواهند که دست به تهیه اسلحه بزنند، تحت این عنوان "ما با دولت دعوا داریم" هر دهقان برای خرید اسلحه متحمل مخارج سنگینی شده بود در عین حال خود فتودالها

بقیه از: تخریب در میتینگ

همه مشت ها ، علیه ابر قدرت ها روسیه و آمریکا

- ۱- چرا آمریکا و روسیه با انقلاب اسلامی ایران مخالفند و جمهوری اسلامی را تهدید میکنند؟
 - ۲- چرا مبارزه علیه امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت محور اصلی دامی انقلاب باید باشد و امروزه وظیفه عمده تبدیل گردیده است؟
 - ۳- چرا دادا مه ی انقلاب باید از جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی و دولت موقت پشتیبانی کرد؟
 - ۴- چرا دادا مه ی انقلاب بمعنی ادامه شرکت وسیع مردم در مبارزه و کار است و چرا بخاطر شرکت آنها در امر دادا مه ی مبارزه علیه توطئه های ابر قدرت ها باید آزادی و عدالت اجتماعی گسترش داد؟
 - ۵- چرا استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برای ایران خود مختاری برای ملیت های زیر ستم؟
 - ۶- حوادث کردستان و ترکمن صحرا ... چه هستند؟ علل و ریشه های آن کدامند؟
- همیپهان عزیز:

در میتینگ جمعه ۲۴ فروردین ۱۰ صبح میدان ارک بسواالات بالا پاسخ داده خواهد شد. از شما دعوت میشود در این میتینگ میهنی و ضد استعماری و ضد امپریالیسم شرکت کنید. سازمان انقلابی

۱۳۵۸/۱/۱۸

سخنران: دکتر علی صادقی

این اعلامیه بطور روشن موضع سازمان انقلابی را پشتیبانی از انقلاب اسلامی و در مبارزه علیه دشمنان این انقلاب بیان میدارد. بخش این اعلامیه و دیگر تدارکات برگزاری میتینگ فوق الذکر بدنبال درخواست ۱۵ فروردین سازمان از وزرات کشور و اجازه نامه رسمی بیست آن وزارتخانه و مقامات کمیته انقلاب اسلامی انجام گردید. سازمان ما با اعتقاد به لزوم ایجاد و تحکیم نظم انقلابی پس از پیروزی انقلاب و اعلام صریح این موضع خود کوشش نموده و سعی کند که برگزاری اجتماعات عمومی خود را با توافق مقامات رسمی به جلو بردانند از این طریق نیز در مبارزه علیه اغتشاش و هرج و مرج مورد دلخواه دشمنان انقلاب با رهبری مقامات دولتی همراهی و همگامی نماید.

حفاظت از میتینگ نیز بر عهده پاسداران مسلح کمیته انقلاب اسلامی شماره ۹ تهران بوده، در آغاز برگزاری میتینگ عده ای عناصر مشکوک وابسته به ساواک سابق و عمال کمیته مرکزی حزب توده شروع به اخلاگری علیه میتینگ نمودند. آنان که ظاهراً خود را همراه با چند عنصر مسلمان نما قلمداد کرده بودند با سوء استفاده از تعصب معدودی برادران و خواهران مسلمان و از نا آگاهی عده دیگری از حاضرین تلاش کردند تا با تبلیغات مسموم و تحریکات پیاپی از برگزاری میتینگ مانع به عمل آورند.

اداره کنندگان میتینگ بمدت بیش از دو ساعت کوشش کردند تا این معدود افراد توطئه گر را از خرابکاری بر حذر دارند و حتی به دونفر از برادران مسلمان اجازه دادند که ضمن بیان نظرات و انتقاداتشان نسبت به میتینگ از حاضران که معتقد به ایدئولوژی اسلام هستند درخواست نمایند که محوطه میتینگ را ترک کنند و عده ای از برادران و خواهران مسلمان بدنبال آن، محل میتینگ را ترک کردند و عده دیگری از حاضران که در آغاز بدلیل عدم آگاهی به اهداف میتینگ به دنبال عناصر اخلاص بودند قانع شده و برای شرکت در میتینگ باقی مانده اند. با عذاب معده ده اخلاص که به کما، خدا دادا مه داده

بقیه از: روستائیان ...
مخروبه های بیش نیستند زندگی میکنند. عده ای دیگر در نزدیکی کشتارگاه و شهر ارومیه در تعدادی چادر بر روی زمین لخت و نیمور سکنی دارند. همچنین در نزدیکی شهر سلماس میسر و و بار که. عده ای به دهات مهاجر رگیخته اند که در آن جا هم در مضیقه میباشند و بالاخره عده ای از مرز گذشته وارد ترکیه شده اند. این آوارگان در بدترین شرایط و بدون داشتن هیچ نوع وسیله زندگی بسر میبرند، غذا، لباس، دکتر و دارو حتی آب آشامیدنی ندارند. زن دهقانی میگفت که "چندین ساعت در جاله های اطراف چادر در زیر باران گشتم تا شاید کمی آب برای طفلم پیدا کنیم." یاد دهقانی تعریف میکرده که "برای آوردن آب باید پنج کیلومتر بروم تا به یک شیر آب در نزدیکی شهر برسم."

علاوه بر همه این ها دهقانان آواره و خانواده شان هنوز تا مین جایی ندارند. بسیاری از آنها تعریف میکردند که شبها را تا صبح خواب نمیروند چرا که افراد آریاب به این مناطق می آیند و تیراندازی می کنند.
خانها و آریابان در ارتکاب جنایات خود تنه ها نبوده اند. آنها از همکاری و پشتیبانی عمال ساواک سیاو سازمان جاسوسی ترکیه (میت) برخوردار بوده اند. تیمسار صیادیان که تا سال گذشته رئیس ساواک ارومیه بوده در منطقه حضور داشته و توسط جهانگیر آقا (از فتوایهای معروف) از مرز ترکیه گذشته و به تیمسار او بی که در حوالی مرزی ترکیه دیده شده پیوسته در برنا مه ریزی توطئه ها بشا و رایاری میدهد. نظمی ها که سه برادرند (دونفرشان عضو ساواک بوده اند و یک نفر "نمایند" ارومیه در مجلس) در منطقه اند. پسران بارزانی (قیاده موقت) هم که توسط اسرائیل پشتیبانی میشوند در منطقه فعالیت دارند. به گفته دهقانان پاسگاه

نمیگردیم. بعلاوه و در جواب سؤال دهقانان که پرسیده بودند "حکومت این آریابها و فتوایها چیست" جواب میدهد "یک سال تبعید" خواست دهقانان برحق است. از آنجا شیکه مقامات رسمی هیچ قدمی در جهت بر آوردن خواست دهقانان انجام نداده اند. گروه های بنام "دفاع از منافع" دهقانان دست به آشوب میزنند و می خواهند از این مساله به سود خود استفاده کنند و حمله شان را به دولت تشدید نمایند.

نه تنها وقایع کنید، بلکه حوادث اخیر در صومالی، برادوست ترگور، مرگ و خوبی نشان میدهند که مساله ی سیاسی ادامه مبارزه با امپریالیسم و بقایای رژیم برای حفظ استقلال کشور و پاسداری از انقلاب با مساله دهقانی و لزوم سرکوبی آنها و فتوایها گره خورده است. لذا دولت باید:

- ۱) با تکیه به خود دهقانان شدیداً آنها
- بقیه از: جنبش کارگران
- میگویند بین شما خیلی دانشجو و غیر کارگر هست.
- خوب می آیند آقا. آنها هم حرفه ای دارند. یک چیزهایی هم ما یاد میگیریم اما یک عده هم هستند که اینرا بهانه کرده اند. آقا که نگذارند ما صدایمان در آید. حرف هم که بزنی می آیند از کمیته ما را میزنند و میبرند. دیشب که تا صبح بیرون تیر در میگردند. نگذاشتند بخوابیم. گفتند شما روز بلند گو گذاشتید و حرف زدید و حال ما را گرفتید ما هم حالات ما شب تیر در می کنیم و حال شما را میگیریم. امروز هم خواستیم قطعاً ما مان را پخش کنیم، چند نفر را زدند و بردند و گفتند اعلامیه کمیونستی بوده بقول رفیق می گفت شما که میگوئید در جمهوری اسلامی برای همه آزادی هست اگر اعلامیه کمیونستی هم بود که حق نداشتید جلوی شما را بگیرید. حالا اینهم که اعلامیه کمیونستی نبوده قطعاً ما

و فتوایها، عوامل ساواک و سایر سرکوب نماید.
۲) ترتیب با زگششت دهقانان را نداده و غارت شده را به زمینها پشان بدهد و به آنها همه جانبه کمک کند. تا بتوانند اقتصاد لنگشان را رشد داده و کشاورزی را رونق دهند.
۳) زمینهای مالکین ضد انقلابی را مصادره نموده و بین دهقانان توزیع نماید. بعلاوه کمیته های امام باید از عنا صرفت سوال تصفیه شوند. در تحلیل نهائی شکل و وحدت دهقانان برای دفاع از حقوق خود مسئله اصلی را برای عقییم گذاردن توطئه ها و تحریکات فتوایها و سرسپردگان رژیم سابق و حفظ استقلال کشور تشکیل میدهد.

ننگین و وابسته به امپریالیسم پهلوی است. این تضادها میتواند با بد از طریق مسالمت آمیز، و مشورت و برنا مه ریزی مشترک کارگران و دولت بر اساس سود متقابل حل و فصل گردد. دولت ملتی مهندس با زرگان و مقامات مسئول لازم است با جدیت و تلاش فراوان به مسئله گرسنگی کارگران بیگار و معیشت زحمتکشان توجه نمایند و اجازه ندهند که تحت بهانه های برنا مه ریزی آتی و در از مدت به گرسنگی و معیشت میلیونها انسان زحمتکش و هموطن میسرارز و خانواده ها پشان بی توجهی گردد. در مقابل نیروی دیگر (سرما به داری وابسته)، دولت باید بنمایندگی از طرف خلق این صنایع را راساً تحت کنترل خود گرفته و با تصفیه مدیریت سابق قدم بقدم وابستگی آنان به خارج را قطع نماید.
علاوه بر این باید هوشیار و متوجه توطئه های دشمنان انقلاب بود. عنا صر فدا انقلاب بویژه عمال و جاسوسان دوا بر قدرت

دیگری از حضا رکه در اغاز بدلیل عدم آگاهی به اهداف میتینگ به دنبال عناصر اخلاک گر بودند قانع شده و برای شرکت در میتینگ باقی ماندند ولی با وجود این معدودی از خالگران به کار خود ادامه داده و حتی قصد حمله به تریبون سخنرانی و بوجود آوردن زدو خورد را داشتند در این موقع اداره کننده میتینگ با درک حساس بودن موقعیت با قاطعیت تمام خاتمه میتینگ را اعلام نموده و از همه حضار خواست که محل پارک شهر را ترک گویند. اخلاکگران که چند نفر از آنها مسلح بودند با زهم دست از توطئه برنداشته و قصد حمله بسوی پاسداران انقلاب را نمودند در نتیجه پاسداران برای حفظ نظم و جلوگیری از خرابکاری بیشتر اقدام به شلیک چند تیر هواشی نمودند و چند نفر از آنان را که در برهم زدن نظم شدیداً تقلامی کردند دستگیر ساختند.

پس از خاتمه میتینگ معلوم گردید که متاسفانه چهار نفر از شرکت کنندگان در میتینگ از جمله اداره کننده میتینگ از رفقای سازمان ما نیز بدون کوچکترین دلیل دستگیر و در محل کمیته دیگری در مقر دادگستری زندانی شده اند. ما شدیداً اخلاکگری مشتی عنا صرضد انقلاب را محکوم میسازیم.

ما به شیوه عمل عده ای از برادران و خواهران مسلمان نا آگاه در مقابل میتینگی که در خدمت تحکیم انقلاب اسلامی است انتقاد می کنیم. ما شیوه فوق را در تضاد با رهنمودهای مکرر در مکرر امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی میدانیم. بر طبق این رهنمودها تمام مسلکها آزادند که عقاید و نظریات خود را در بین مردم از طریق میتینگ و تظاهرات تبلیغ نمایند. ما توطئه گری علیه میتینگ سازمان ما را که یک گروه آئی علیه توطئه ها امپریالیسم آمریکا و روسیه بود عملی بر ضد انقلاب اسلامی و اهداف انقلابی آن میدانیم این عمل مشتی اخلاکگر آب به آسیاب دشمنان خلق و امپریالیستهای منتظر فرصت مناسب برای ضربه زدن به انقلاب میباشند میریزد. میتینگ سازمان انقلابی در پشتیبانی از انقلاب اسلامی، در تقویت انقلاب کنونی بود و ضربه ای بر دشمنان انقلاب میزند عدم برگزاری این گروه آئی به سودکی میتواند باشد؟

میتینگ ما از اجازه رسمی مقامات دولتی و مقامات مربوطه انقلاب اسلامی برخوردار بود.

ما برهم زدن این میتینگ ضدا امپریالیستی و قانونی را اقدامی در جهت برهم زدن نظم انقلابی و بر ضد تصمیمات دولت موقت انقلابی میدانیم. چه کسانی تلاش دارند نظم انقلابی کنونی را برهم زنند و در برابر دولت موقت جمهوری اسلامی قد علم کنند؟ اینان بقایای فاسد ساواک سابق و عمال وابسته به کمیته مرکزی خائن حزب توده اند. ما حق مسلم خود میدانیم که در مشورت با مقامات مربوطه برای تبلیغ نظریات خود به هر شکل و وسیله ای اقدام نمائیم. ما تبلیغ این نظریات را بسودا انقلاب اسلامی و در جهت تحکیم آن میدانیم و هشدار میدهیم که عناصر ترغرفه افکن، ساواک و حزب توده مانع آن هستند که ما مثل این انقلاب بزرگ برای مردم روشن شود و لذا در لاف افه دفاع از اسلام "الله اکبر" گویان در صفوف خواهران و برادران مسلمان خود را جا میزنند تا از پشت به انقلاب ورهیری آن خنجر بزنند.

ما بضمیمه متن سخنرانی که دکتر علی صادقی میبایست در میتینگ ۲۴ فروردین قرائت می نمود و همچنین متن قطعنامه پیشنهادی به شرکت کنندگان در میتینگ را منتشر می کنیم و از تمام مبارزان از تمام مسلمانان انقلابی درخواست می کنیم که آنرا مطالعه نمایند و مستقلاً ملاحظه نمایند که برهم زدن میتینگ ما به سود دشمنان خلقی بوده است.

ما مطمئن هستیم که این اخلاکگریها و توطئه ها نخواهد توانست جلو آفتاب حقیقت را بگیرد و مردم ایران بویژه مسلمانان کشورمان با اندازه کافی تجربه اندوخته اند که در دام عناصر وابسته به بیگانگی نیفتند.

سازمان انقلابی

منطقه فعالیت دارند. به گفته دهقانان پاسگاه سیلوانا که خلع سلاح شده بود هم اکنون توسط افراد قیاده موقت اداره میشود و حدود پنج هزار نفر از پیش مرگه های بارزانی نیز در این اواخر به اشویه وارد شده اند.

متاسفانه دولت تا کنون اقدامی جدی بعمل نیاورده و این برخورد غیر فعال باعث جری تر شدن ضد انقلاب در منطقه گردیده تا جائیکه بنا گفته دهقانان "استاندار آذربایجان را که به دهه قصریک رفته بوده افراد ارباب با تیراندازی به ده راه نداده اند". اگر چه دولت با مشکلات بسیاری روبروست ولی نمیتوان که دست بر روی دست گذارد زیرا استقلال کشور و زندگی دهقانان بطور جدی در خطراست و اقدام ننمودن زمینه را برای تشدید فعالیت ضد انقلاب نه تنها در این منطقه بلکه در مناطق دیگر نیز مساعدتر میکند. بقول دهقانان "این مرضی است که به احتمال زیاد اگر پیشگیری نشود به ارباب بهاو خانهای دیگر هم سرایت میکند و دهقانان بیشتری آواره می شوند".

کمیته امام نیز در انفعال کامل بسر میبرد و مشغول دعوای داخلی خود هستند و این بخاطر اعمال نفوذ ارباب بها در آن می باشد. کمیته بیشتر در فکر "ملح" دادن دهقانان با ارباب بوده بطوریکه یکی از اعضای کمیته بدهقانان گفته که "کمیته نمی تواند کاری انجام دهد و قدرتش را ندارد. تنها میتواند واسطه شود تا ارباب بها دهقانان را به ده راه دهند". دهقانان بهادر جواب گفته اند "تا زمانیکه ارباب و فئودال در ده با شنند بخاطر بچه های پیمان نمیرویم به ده، اصلاحگونه نمیتوانیم به اربابان همه جایت و ستم برویم با آنها زندگی کنیم. تا زمانیکه فئودالها و خانها در ده هستند به جهنم میرویم و به ده باز

بگیرید. حالا اینهم که علامیه کمونیستی نبوده - قطعنامه یک عده کارگر بدبخت و گرسنه است. مساله اصلی کارگران بیکار ما مساله گرسنگی است. در برابر کارگران بیکار و گرسنه دنیرو قرار دارد: دولتی ملتشی و سرمایه داران وابسته به بیگانگی

بنظر ما تضاد کارگران با این دولت تضادی خصمانه و آشستی ناپذیر نیست. بحران اقتصادی و بیکاری ناشی از آن نتیجه عملکردهای دولت انقلابی نبوده، بلکه این بیکاری و گرسنگی در درجه اول ارثیه شوم سلطنت

بقیه از: خواستهای بحق ۰۰۰۰

بود. عنا صرضدا انقلاب بویژه عمال و جاسوسان دوا بر قدرت آمریکا و روسیه و صهیونیستها میکوشند تا از ناراضایتی ناشی از بیکاری کارگران، بخاطر ایجاد اغتشاش و تضعیف دولت بهره برداری نمایند. آنها میخواهند کارگران بیکار را به جنگ دولت کشانده و دولت را وادارند تا به سرکوب کارگران بیکار بپردازد. بدین طریق آنها کارگران را از انقلاب دور کرده و دولت را دیکتاتور و سرکوب گرم معرفی مینمایند. این عنا صرم در میان کارگران بیکار فعالیت میکنند و هم در میان ارگانهای دولتی و کمیته های انقلاب نفوذ کرده اند.

بایده در صفحه پنجم

۳- راه سوم را که حق تعیین سرنوشت خلق عرب خوزستان در چهار رچوب وحدت با خلقهای ایران را تا بید می کنیم. من به نمایندگی از خلق عرب خوزستان ۱۱ خواسته خود را اعلام میدارم:

- ۱- مشارکت در تدوین قانون اساسی و در نظر گرفتن حق خلق عرب.
 - ۲- زبان عربی بعنوان زبان رسمی ما باشد.
 - ۳- شرکت دادن اعراب در ارتش و عدم تبعیض در گرفتن مقام لشکری.
 - ۴- داشتن نماینده در مجلس.
 - ۵- داشتن حق اولویت منصب در منطقه ی عرب خوزستان.
 - ۶- تاسیس و بنیان دادگاههای عربی در موازین شرع اسلامی.
 - ۷- تعویض کلیه نامهای شهرهای منطقه به اسم های اصلی عربی.
 - ۸- دادن بخشی از سرمایه نفت جهت عمران شهرهای خوزستان.
 - ۹- حق اولویت در پیشبرد مرکشا ورزی.
 - ۱۰- تعیین حدود مرزی منطقه خوزستان عربی.
 - ۱۱- تاسیس مدارس عربی از ابتدائی تا دانشگاهها.
- ما با اتکا به نیروی خود و پشتیبانی همه خلقها خواهان جواب مثبت از حکومت موقت آقای مهندس مهدی بازرگان هستیم تا به ابر قدرت و اعمال بومی آنان چون کمیته ی مرکزی حزب توده ستون پنجم امپریالیزم روس و مبلغ انقلابی در ایران که سالیانی دراز در رسیدن به آبهای گرم جنوب خلیج فارس بدنبال فرصت مناسب کمین کرده اند بگوئیم که شعار رهبر عالیقدر ما امام خمینی جهت بیداری و هوشیاری را چراغ راه خود قرار داده لبیک گویان "نه آمریکا نه روسیه" ایرانی مستقل و متکی بخود را بر فراز بلبلند همست رزمندگان راستین و استقلال خواه بها هتزاز در میآوریم. در آخرین کلام ما خلقهای تحت ستم ایران بویژه خلق عرب خوزستان پیروزی مبارزه خود را نمی بینیم. مگر در تشدید و پیگیری مبارزه بر علیه امپریالیزم بویژه دوا بر قدرت روس و آمریکا و افشای عمال بومی آنان چون کمیته مرکزی حزب توده.

درود بر کلیه مبارزین استقلال خواه مرگ بر امپریالیزم بویژه روس و آمریکا مرگ بر کمیته مرکزی حزب توده استقلال - آزادی - حکومت اسلامی

دکتر نژادیان ، شهید خلق کرد و آموزگار همبستگی خلقها

بقیه از : میتینگ.....

این واقعه هم چنین بار دیگر لزوم تصفیه کامل و پاکسازی سریع کمیته های سراسر کشور را از عناصر ناب و ضدانقلابی که در مواردی بدرون آنها نفوذ کرده اند برجسته میسازد. این تصفیه و تضمین و بسط آزادی برای خلق در خدمت تقویت انقلاب است. و تنها افرادی که از منافع توده های خلق حرکت نمیکنند و از جنبش آزاد و حرکت جوشان خلق میترسند است که در پی محدود کردن آزادی برای خلق هستند. تصفیه کمیته ها بمثابه ارگان های پاسداری از انقلاب آنها را تقویت میکند. ما معتقدیم که باید:

یک شورای عالی تصفیه و تحکیم کمیته ها متشکل از نمایندگان امام و دولت تشکیل شود و این کار را سریعاً به پیش برد. بعلاوه در کمیته های شهرها مرکزیت و فرماندهی واحد ایجاد نماید.

توده های خلق به روشیاری خود در برابر تجا و زبه حقوق دمکراتیک شان و اخلاص گری و بهم زدن نظم انقلابی بیافزایند و از آزادی برای خلق کسب کنند.

پرست مسلمان ببریم و عوام مل ساواک و مزدور روسیه را بیشتر افشاء کنیم. همه نشانه ها امید بخش اند و ما نیرو می دهیم. پیشک با تکیه به توده ها این راه را تا به آخر خواهیم پیمود.

بقیه از : میتینگ.....

با کار سیاسی و افشاگرانه رفقا و دیگر میهن پرستان به ضد خود و به یک جریان افشاء عناصر مخرب و توضیح خط مشی سازمان تبدیل کنیم و با رد بگروشن شد که با تکیه به حقانیت ایدئولوژی و خط مشی راستین سازمان است که با همت خود و تکیه به توده ها میتوان امر منفی را به امر مثبتی تبدیل کرد.

با حفظ اصولیت و در عین حال برخورد هوشیارانه و ترمش پذیر، توطئه های ساواک مزدوران روسیه را در ایجاد درگیری (وختی توطئه مسلحانه) درهم شکنیم و با حفظ نظم انقلابی میتینگ را در موقنح مناسب بسنیم.

پس از برگزاری میتینگ کمک مالی توده ها به سازمان ما افزایش یافته است که نشانه دیگری از روشن تر شدن حقانیت امرکبیر مبارزه با دوا بر قدرت است.

و در آخر، و مهمترین از همه ما با برگزاری میتینگ برای اولین بار در میهنمان کنار متشکل، علنی و وسیعاً را علیه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه آغاز کردیم. پرچم ضدا و بر قدرت را بر فراشتیم و راه طولانی اما پیروزمندی را آغاز کردیم. ما هنوز کار زیادی در پیش داریم. با بدخط مشی راستین سازمان خود را بسپاریم توده های وسیعتری و بویژه نیروهای مبارزه و میهن

بقیه از : اعلامیه.....

سازمان انقلابی ما معتقد است از آنجا که خواست با زگشودن دهقانان به دهات و بدست آوردن زمین های خود مسئله اساسی و کلیدی است و تنها از طریق پاکسازی منطقه از وجود خانها و اربابها عناصر ساواک و دیگر نیروهای ضدا انقلابی میسر است دولت و کمیته های امام باید تمام امکانات خود را در این زمینه بکار گیرند و قاطعانه وارد عمل شوند. آنها در این راه مطمئناً از پشتیبانی و حمایت مردم میهن پرست و آزادیخواه و بخصوص دهقانان منطقه برخوردار خواهند بود. در عین حال اقدام سریع و عاجل برای تهیه محل سکونت، چادر، غذا، پوشاک و دکتر دارو بعنوان قدم اول در این زمان مبرم ترین وظیفه دولت، کمیته امام و نیروهای میهن پرست میباشد.

بیاری دهقانان غارت و رانده شده از دهات صومای برادوست، مرگ و روتراک و ریشتابیم!

در با مداد ۹ فروردین ماه امسال، اتوبوس حامل کاروان امداد پزشکان و رزمندگان خلق کرده برای انجام خدمات پزشکی به ترکمن صحرا میرفتند بدوره واژگون شده و ۹ نفر از میهن پرستان کردستان شهید شدند. در میان شهدا چهره دکتر نژادیان برای توده های خلق کرد بویژه دهقانان آشناست و ما برای آشنائی همه هم میهنان با این انقلابی میهن پرست کرد قسمت هائی از شرح زندگی و مبارزات او را که اخیراً بصورت جزوه ای از طرف "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان" منتشر شده در اینجا درج میکنیم.

"دکتر فتح الله لطف الله نژادیان در تاریخ ۱۳۲۶/۱/۱۴ در شهر سنندج در یک خانواده پیشه ور ساده "خراط" چشم بجهان گشود. تحصیلات ابتدائی را در مدارس چهارم آبان سابق و بدربیا بیان رسانید. تحصیلات متوسطه را در سال ۴۶-۴۷ با بهترین معدل تمام نمود و در همان سال در رشته پزشکی دانشگاه تبریز ادامه تحصیل داد."

"در سالهای اول ورود به دانشگاه با مسائل سیاسی آشنا شد. در فعالیت های دانشجویی فعالانه شرکت میکرد. در سال چهارم دانشکده بود که عمیقاً خود را با مسائل مردمی درگیر نمود. همیشه چه در بیمارستان و چه در خارج از آن مشغول مسدا و ای درد مندانی بود که از شهرهای دور و نزدیک به تبریز میآمدند. همیشه با آنها می نشست و ضمن مداوا و بدر دلهایشان گوش میکرد. در آن مدت زبان ترکی را خوبی یاد گرفت و با آذربایجانها عشق میورزید. می گفت "هرگاه به تبریز میروم انگار که در خانه و شهر خود هستم."

"بالاخره در سال ۱۳۵۳ فارغ التحصیل شد و با آنچه خود مرحله عمل مینامید وارد گشت. در این سال بود که فعالیت واقع و بیین

خورخوره سقزبکار مدا و او در کنار آن شروبیچ مسائل انقلابی پرداخت. بیش از چهار ماه در این منطقه و شهر سقزبکار مشغول بود که روانه یادگان گشت.

پس از دو ماه دوره نظامی به منطقه "زاو رود" میروان فرستاده شد. چون میخواست در دورترین نقاط (چا ئیکه هیچ پزشک دیگری مایل برفتن با نجا نبود) خدمت نماید، بروستای "شه وی هنگ" که مرکز "زاو رود" است منتقل گردید. این منطقه سنگلاخی و دور از جاده است. دو سال خدمت سربازی را بطور شیان روزی در مرکز پزشکی "شه وی هنگ" مشغول کار بود.

"دکتر فتح الله بعنوان یک روشنفکر شهری برای مردم زحمتکش "زاو رود" آشنا تر از هر کسی است. در تابستانها کوه بکوه به خانه با غهای دهقانان نیکه برای کاربزار میرفتند سرکشی میکرد. هر شب مهمان کسی بود. وی تنها پزشک نبود که فقط بدردمان دردهای جسمی بپردازد، بلکه معلم خوبی هم بود که دهقانان را با آنچه میبایست دارا باشند، و اینکه چگونه دسترنج خود و فرزندانشان به جیب مشتی مفتخور میروند، آشنا میکرد. دهقانان دوروبرش جمع میشدند و حرفهای او را با لاسر از حرف هر شیخ و ملائی میدانستند. اگر نمیتوانست کسی را خوب معالجه کند، آنها را برفقای خود در تبریز و سنندج معرفی میکرد. در محیط کارش دمکراسی را برقرار کرده بود. در زندگی هیچگاه نه با شروت مندان نبودند با قدرتمندان. از جاه طلبی سخت بیزار و در کارش صادق بود. بعد از اتمام سربازی مجدداً روانه منطقه "زاو رود" شد. در این مرحله که پختگی بیشتری پیدا کرده بود، بکار مدا و او تبلیغ در سطح وسیع تری پرداخت. مرتجعین محلی بخاطر بخطر افتادن منافعشان برضدا و تناسا آنجا که میتوانستند از تبلیغ گرفته تا شکایت و کار شکنی کوتاهی نکردند. او همیشه در مبارزه با

"با تمام مقامات دولتی از جمله رئیس پاسگاه محل، بخشدار فرماندار و رئیس شهر با نی مریوان بخاطر فعالیتها ی مردمیش درگیر بود و آئی از تهدیدهای آنها در امان نبود. رژیم وقتیکه از تهدید خسته شد، بفرگولزدن او افتاد، که بیاید رئیس پاسگاه بهداشت استان یا رئیس بهداری مریوان بشود. عوامل مرتجع اداری از کشف بودن مردم ده با او حرف میزدند. ولی او را خیلی دست کم گرفته بودند، زیرا او برایش ایمان داشت و وعده و وعیدهای آنها در روحیه او تأثیری نگذاشت و رژیم ستمکار نتوانست او را بزناور آورد."

"در بین مردم زحمتکش سا و قتیکه بمدا و ای بیماران مشغول بود، خیلی آرام، صمیمی جدی و مردمی بود. هر کس بدرد نگاه وارد میشد تحت تاثیر رفتار صادقانه او قرار میگرفت. مردم از سادگی و صمیمت او که برخلاف سایر کارمندان دولت بود تعجب می کردند. بعد از فراغت از مدا و ای حدود صد مریض در روز بمیان مردم میرفت، با آنها در کارها ایشان

همکاری میکرد. شاهدان عینی با رها او را هنگا میکه بیل و یا داس بدست داشته دیده اند. هنگام کار کردن با آنها از ظلم و زوری که متحملش بودند حرف میزد و در دلها یسا ترا گوش میداد. صداقت و پاکدامنی را در میان آنها تشویق مینمود. مردم او را از خود میدانستند و با پیش آمدن کوچکترین گرفتاری و حتی خصوصی ترین مشکلات با او مراجعه میکردند."

"در تظاهرات خونین یکسال گذشته سنندج تا آنجا که می توانست به مجروحین کمک میکرد و لحظه ای از مدا و ای آنها غافل نبود."

"دکتر فتح الله فرزند راستین و انقلابی خلق کرد بود، ولی خود را وقف امر انقلابی همه خلقهای ایران کرده بود. او هم چون سایر همزمان شهیدش خونش

بباری دهقانان غارت و رانده شده ازدهات صومای
برادوست، مرگ و روتگر و ریشتابیم!
از منافع زحمتکشانش پشتیبانی کرده و با وحدت رزمنده
بلبتهای مختلف ایران متحداً مبارزه علیه عناصر
سواک و باقی مانده رژیم سابق و تفرقه افکنان را
گسترش داده و تعمیق نمائیم!

سازمان انقلابی - بخش آذربایجان

۵۸/۱/۲۵

بقیه از: شوروی ۰۰۰۰

وجود داشتن روحیه انقلابی از نظر اقتصادی و فرهنگی بسیار عقب مانده
بودند، کشور از همه طرف توسط دولتهای امپریالیستی در محاصره
بود. ساختمان سوسیالیسم برای اولین بار در تاریخ بشرانجام می
گرفت و هیچگونه تجربه قبلی برای آن وجود نداشت. این شرایط
زمینه را برای قدرت یافتن مجدد عناصر سرمایه داری در شوروی فراهم
میکرد. بعزت عقب ماندگی فرهنگی جامعه و کارگران، ولت جوان
شوروی مجبور بود که برای حل مسائل اقتصادی خود از مدیبران و
متخصصین موجود در اجتماع کهن استفاده نماید.

دولت کارگری برای غلبه بر مخالفت آنان و جلبشان مجبور
شد که آنان را با حقوقهای گزاف و امتیازات فراوانی در استخدام خود
در آورد. اما دولت شوروی که از ماهیت طبقاتی این عناصر بخوبی
آگاهی داشت برای جلوگیری از نفوذ آنان در ارکان دولتی و
خرابکاری در ساختمان سوسیالیسم از یکطرف با ایجاد سیستم برنامه
ریزی مرکزی کارمدیران و متخصصین را تحت کنترل خود قرار داد و از
طرف دیگر با دورنگاه داشتن کامل آنان از تشکیلات دولتی این احیاء
کنندگان با القوه سرمایه داری را از کسب قدرت سیاسی ممانعت
نمود. اما در طی سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۱۲ (۱۹۴۱-۱۹۳۳) دولت جوان
شوروی تحت رهبری استالین کوشید تا یک جبهه وسیع متحد ملی برای
دفاع از کشور بوجود آورد. و برای این کار لازم بود تا بمنظور جلب
حمایت عناصر غیر کارگری امتیازاتی بآنان داده شود، با رفیع
محدودیتها برای عضویت در حزب کمونیست گروههای وسیعی از این
مدیران و متخصصین حرفه‌ای بدون تجدید تربیت سوسیالیستی بسا
ابدشولوزی بورژوازی بدرون حزب راه یافتند و بدین طریق سیاست
جدانگه داشتن رهبری سیاسی کشور از مدیریت اقتصادی آن تضعیف
شد.

با ورود وسیع روشنفکران و متخصصین تجدید تربیت نشده بسه
حزب بزرگی اصولی چون ارجحیت اقتصاد بر سیاست، اتکاب به متخصصین
و بوروکراتها بجای توده‌های وسیع کارگران و دهقانان و دیگر
شیوه‌های بوروکراتیک کار که اصولی ضد مارکسیستی و اساساً بورژوازی
بودند در بخشهای از حزب مورد قبول قرار گرفتند و استالین مجبور شد
که یکبار دیگر مبارزه سختی را برای بیرون راندن عناصر بورژوازی
حزب و دولت شوروی آغاز نماید. اما پراش از میان رفتن نزدیک به
۳/۵ میلیون نفر از بهترین کادرها و اعضاء حزب کمونیست شوروی در طی
جنگ جهانی دوم و عضوگیری حزب برای جبران این کادرها پسر از
پایان جنگ عناصر بورژوازی جدیدی در حزب شوروی راه یافتند استالین در
سال ۱۳۳۱ کتاب مشهور خود تحت عنوان "مسائل اقتصادی سوسیالیسم
در شوروی" را منتشر کرد که هدف آن مبارزه با تجدید نظر طلبی بود که
میرفت تا در تمام سطوح حزب و دولت شوروی نفوذ یابد. این مسئله که
طبقات و مبارزات طبقاتی در اجتماع سوسیالیستی هم باقی میماند در
این کتاب بطور ضمنی مطرح شده بود. کتاب استالین بطور وسیع در
سرتاسر شوروی پخش شده و اساس بخشهای وسیعی در کشور گردید. استالین

عمل مینامید و اردگشت. در این
سال بود که فعالیت واقعی وی بسین
توده‌های زحمتکش خلق کرد شروع
شد. برای اولین بار در منطقه

انجا که سواستالین از تبلیغ
گرفته تا شکایت و کار شکنی کوتاهی
نکردند. او همیشه در مبارزه با
مرتجعین قاطع بود و آنی از مبارزه
با آنها غافل نبود.

توانگر باید سریعاً محاکمه و اعدام شود

طبق اخبار جرایم، فریدون
توانگر (آرش) شکنجه گرم معروف
ساواک از طرف رزمندگان گروه
ضربت کمیتها ما تهران دستگیر
شده است. این جنایت کار
کسی است که صدها مبارز
میهن پرست را که بخاطر امر
رهائی خلق در سیاه ترین روزها
بپا خاسته بودند، با حیوان
منشی خاص مزدوران، شکنجه
کرده و بقتل رسانیده است. از

جمله رفقای وفادار سازمان ما،
شهدا معصومه طوافچیان و محمد
تقی سلیمانی لوانی بدست او
در زیر شدیدترین شکنجه‌ها به
شهادت رسیدند. رفقای کسه
همدوش دیگر رزمندگان خلق تا
آخرین لحظه شهادت گامی از راه
خلق به عقب نگذاشتند و با خون
پاک خویش نهال انقلاب را بارور
ساختند و به آرامی نهایی شکوه شدند
پرولتاریا وفادارمانندند.

مشغول طراحی یک برنامه وسیعی برای پاکسازی حزب کمونیست
شوروی از عناصر ریز بیونیست بود (تجدید نظر طلب) که در سال ۱۳۳۲ در گذشت.
مبارزات طبقاتی در تمام دوران رهبری لنین و استالین در شوروی ادامه داشته
و در آستانه مرگ استالین عناصر بورژوازی در بسیاری ارکان حزب و دولت
شوروی رخنه نموده و منتظر فرصت مناسب برای وارد نمودن ضربسه
قطعی خود بوده اند علت اساسی موفقیت این عناصر با ایدئولوژی
درک کمونیستهای شوروی بطور عموم و استالین بطور خصوصاً از چگونگی
مبارزات طبقاتی در اجتماع سوسیالیستی و نداشتن تئوری راهنما
در این زمینه دانست. استالین با وجود مبارزات سرخستانه‌ای که
در تمام مدت حیات خود با عناصر بورژوازی موجود در حزب و دولت شوروی
نمود بعزت اینکه خود دارای عمیق و کاملاً درستی از ماهیت
مبارزه طبقاتی در جامعه سوسیالیستی نبود این مبارزه را آنطور
که باید درست به پیش نبرد و برای تدایم و تعمیق آن توده‌های
وسیع کارگران و دهقانان را بسیج ننمود. اشتباه دیگر حزب
کمونیست شوروی این بود که با تاکید بیش از حد بر پیشبرد نیروهای
تولیدی به امر مناسبات سوسیالیستی تولیدی توجه کافی نکرد و نتیجتاً
اجازه داد تا در مواردی بجای تسلط سیاست بر اقتصاد، اقتصاد بر
سیاست ارجحیت یابد. و این سبب شد که توده‌های زحمتکش شوروی
بجای محکم در دست گرفتن امر انقلاب تنها به کوشش در افزایش
و توسعه تولید قناعت نموده نسبت به شرکت در مبارزه طبقاتی در سطح
کشوری بی‌تفاوت شده و بتدریج هوشتی را انقلابی خود را از دست داده و زمینه
را برای نفوذ و تسلط عناصر بورژوازی فراهم نمایند و بالاخره حل و فصل بوروکراتیک
بسیاری از مسائل یعنی حل مسائل "از بالا" و اتکاب به روء ساء و
"متخصصین" و غیره بجای تکیه به توده‌های وسیع خلق با عت
تضعیف روحیه انقلابی توده‌ها و جدائی تدریجی آنها از امر پیشبرد
انقلاب سوسیالیستی گردید. این خود کمک بزرگی به عناصر بورژوازی
برای نفوذ در ارکان اساسی حزب و دولت شوروی و تحکیم تدریجی
تسلط خود بر این ارگانها بود، این کمبودها البته بدان معنی نیست
که استالین مسئول قدرت یافتن عناصر بورژوازی در شوروی است چرا
که استالین در تمام دوران رهبری خود مبارزه‌ای بی‌امان را علیه
این عناصر ادامه داد و تحت رهبری او امر ساختمان سوسیالیسم بسه
پیشرفت‌های چشمگیری دست یافت.

ولی خود را وقت امر انقلابی همه
خلقهای ایران کرده بود. او هم
چون سایر همزمان شهیدش، خویش
را وثیقه وحدت انقلابی خلق کرد
با خلق قهرمان ترکمن نمود.

ما از کلیه زندانیان سیاسی
و دیگر هم میهنان که اطلاعات
دقیق تری از جریان شهادت رفقای
سازمان ما و دیگر مبارزین بدست
این عنصر جنایت کار دارند، تقاضا
میکنیم که اطلاعات خود را یا به
ما و یا به دادگاه انقلاب اسلامی
ارائه کنند تا در محاکمه و
مجازات این مزدور کثیف و
و جنایتکار مورد استفاده قرار
گیرد. خلق ما و اوقیلاً محاکمه
و محکوم کرده است و سزایش تنها
مرگ است.

بقیه از: جنبش کارگران ۰۰۰۰

عناصر ضد انقلابی و مرتجع
وابسته به بیگانه از هر فرصتی
استفاده میکنند تا هم از بی‌آلا
حرکت‌های محقانه و عادلانه
کارگران را تحت پرچم "سیاسی"
"خرابکار" و "کمونیست" سرکوب
نمایند و هم از بی‌ثباتی توده‌ها و
کارگران بیگانه را علیه دولت
شورا تند و به مبارزات تند و حتی
جنگ داخلی تشویق نمایند.

ما بخاطر حفظ و تحکیم وحدت
ملی غذا میربالیستی معتقدیم که
دولت با پیدا و لادرعین برنامه ریزی
در امدت برای رفع بیگاری فوراً
و در اسرع وقت به مسئله گرسنگی و
معیشت بیگاران یا سخگوید و ثانیاً
به پاکسازی و تصفیه ارگانها انقلاب
و دولت از عناصر ضد کارگری و مرتجع
اقدام نماید. ما همچنین معتقدیم
که کارگران قهرمان ایران باید
ضمن طرح و مبارزه برای کسب
درخواستهای عادلانه خویش
نگذارند عمال ارتجاع و امیربالیسم
از معطل بیگاری آنها بهره‌برداری
نموده و بسا منجنیش کارگران بیگانه
توطئه‌های خود را تدارک ببینند.

کاربرای بیگاران
مستحکم با دو وحدت ضد
امیربالیستی خلق

شوروی: کشوری امپریالیستی

چطور شد که در کشورشورها، یعنی در جاییکه طبقه کارگر تحت رهبری حزب کمونیست قدرت دولتی را بدست گرفته و مدت چندده سال به ساختمان سوسیالیسم پرداخته بود بار دیگر سرمایه داری احیاء گردید؟ و آیا اصولاً چنین چیزی امکان دارد؟

قبل از بررسی اوضاع کنونی کشور روسیه لازمست که این هر دو سؤال را جواب گوئیم. زیرا بسیارند مبارزینی که چه از روی علاقه پاک و بی‌ریا به حزب و کشور انقلابی لنین و استالین و چه از روی عدم آشنائی با تئوری مارکسیسم و تاریخچه جنبش کمونیستی چنین امکانی را بانوعی پیشداوری مردود می‌شمارند.

آری نه تنها امکان بازگشت سرمایه داری به یک کشور سوسیالیستی وجود دارد بلکه چنین تحولی هیچگاه از نظر رهبران طبقه کارگر دور نبوده است. اساس این تحول برای اصل مارکسیستی قرار گرفته است که در جامعه سوسیالیستی نیز طبقات و مبارزات طبقاتی وجود دارند و مسئله سرنوشت ساختمان سوسیالیسم در این کشورها وابستگی مستقیم به چگونگی ادامه‌ی این مبارزات طبقاتی خواهد داشت.

لنین در نوشته‌ی خود تحت عنوان "درود به کارگران مجارستان" می‌گوید: "انحلال طبقات به یک رشته مبارزات طبقاتی طولانی، مشکل و سرسختانه محتاج است که حتی بعد از سرنگون شدن قدرت سرمایه بعد از نابود شدن دولت سرمایه داران و بعد از برقراری دیکتاتورسوری طبقه کارگر (پرولتاریا) نیز ناپدید نمی‌گردد."

طبقات استثمارگر که در نتیجه انقلاب سوسیالیستی از منهدم قدرت سرنگون گشته اند بهیچ وجه از مبارزه و کوشش برای بدست آوردن مجدد قدرت دست برنمی‌دارند. این طبقات برای احیای حکومت خود از دوعامل بهره برداری وسیع مینمایند: اول تسلط ایدئولوژی سرمایه داری - یعنی سیستم ارزشها و افکار و عقاید سرمایه داران بر جامعه است که بعزت استیلای طولانی این طبقه بر اجتماع نشریفته و بعد از سرنگون شدن حکومت آنان تا مدت‌های طولانی همچنان در ذهن افراد جامعه باقی میماند. این امر شرایط ذهنی لازم را برای بازگشت سرمایه داری فراهم مینماید. دوم نهادهای تولید سرمایه داری و مناسبات تولیدی سرمایه داری که آنان نیز بیکباره از میان نرفته و تا زمانیکه حکومت جدید آنها را از میان نبرده است همچنان باقی میمانند. این امر شرایط عینی لازم برای بازگشت سرمایه داری را ایجاد مینماید. بدین طریق با باقی شرایط ذهنی و عینی ایجاد سرمایه داری در دوران ساختمان سوسیالیسم، امکان احیای سرمایه داری در کشور سوسیالیستی همیشه باقی میماند. اما برقراری مجدد سرمایه داری در یک کشور سوسیالیستی تنها میتواند بدنبالیک رشته مجادلات طبقاتی و فقط در صورت پیروزی عناصر سر و وابسته به سرمایه داری (بورژوا) صورت گیرد. این عناصر که از حمایت امپریالیسم بین المللی برخوردار هستند با استفاده از کمبودهایی که در راه ساختمان سوسیالیسم در کشور پیش می‌آید، به تدریج در حزب و دولت سوسیالیستی رخنه میکنند و در یک فرصت مناسب قدرت سیاسی را از دست طبقه کارگر خارج ساخته سرمایه داری را برقرار مینمایند.

اما سرمایه داری چگونه در کشور شوروی احیاء گردید؟ برای توضیح این مطلب باید کمی به عقب برگردیم. ساختمان سوسیالیسم در روسیه هنگامی آغاز شد که طبقه کارگران این کشور کمتر از ده درصد

جنبش کارگران بی‌کار

بیکاری پیدا می‌کند و بسیاری از کارگران بیکار در زیر فشار فقر و گرسنگی فریاد خود را بلند کرده اند.

علت اساسی این بیکاری متلاشی شدن شالوده اقتصا دو وابسته به امپریالیسم کشور ما است که بر اثر پیروزی انقلاب ایران بوجود آمد و بسیاری از مسئولین و صاحبان شرکتهای وابسته به بیگانه به خارج گریختند، تعداد زیادی کارخانه بحال تعطیل یا نیمه تعطیل درآمد و تعداد کثیری از برنامهای دولتی متوقف گردید. بعلاوه خرابکاری اقتصادی امپریالیستها را هم باید بعنوان دلیل دیگری در نظر گرفت. حاصل این عوامل از هم پاشیدگی اقتصادی و توسعه سریع بیکاری است که همچنان دامگیر کشور ما است. برای انعکاس مشکلات و نظرات کارگران به محل تجمعات کارگران بیکار در برابر وزارت کار و دادگستری رفتیم. نمونه‌هایی از حرفهای کارگران:

در مقابل وزارت کار:

آقا من الان چهار ماه است بیکارم، چهارم تا بچه دارم و یک زن - یک شاهی هم ندارم. ده روز بیشتر است که هر روز می‌آیم اینجا - هی میگویند فردا و پس فردا و باز هم معلوم نیست که چه بشود.

خواست شماها چیست؟

کار آقا کار، ما میگوئیم بما کار بدهید ما هیچ نمیخواهیم. اما ما صاحب کارها فرانسوی بودند گذاشته اند رفتن آنها بدو کار نیست. میخواهیم دولت یک فکری برای ما بکند.

وزارت کار تا بحال بشما چه گفته؟ - آنها میگویند چه باید کرد؟

میگویند ۴۵ روز مساعده میدهیم ولی ما نخواستیم - گفتیم باید دوماه بدهند.

چطور شد که بیکار شدید؟

من آقا از بلندی افتادم. ما سه تا بودیم. دوتا کرد بودند و من لبر. آنها اول افتادند و

کارگزینی مرا بیرون کرد. رفتم دستش را بوسیدم. پایش را بوسیدم گفتم که با این پای شکسته بیرونم نکن، قبول نکرد. گفت چرا افتادی - تو تقصیر داشتی.

اینها آقا همه با هم هستیم. ما را بیکجا بیرون کردند. آخه آقا ما تظا هرات میرفتیم. آمدند گفتند شما حق ندارید تظا هرات بروید. ما آقا گفتیم ما مسلمانیم و باید تظا هرات برویم. آنها هم آمدند و گفتند با نزنه روز حقوق میدهیم و با بد بروید ما هرچه گفتیم یا نزنه روز نمی خواهیم قبول نکردند. این شد آقا که ما هم امضا کردیم. خط دادیم و یا نزنه روز گرفتیم و بیکار شدیم.

بها نهی آنها چه بود چرا کار را تعطیل کردند؟

میگفتند سوخت نیست آقا. ولی کنتراتی آمد گفت من نمی گذارم کار را تعطیل کنی. من کنتراتی کردم سوخت میآورم و شما حق نداری تعطیل کنی ولی آنها آنرا پس فرستادند و گفتند سوخت نیست پس تعطیل است.

آقا ما اینجا جمع شده ایم چون گرسنه ایم. با این قیله قسم من الان چند روز است که یک قران ندارم. آن هفته رفتم پیش یک رفیقم گفتم پول داری بیست تومن بمن بده، داد. سه چهار روز پیش رفتم پیش یک رفیق دیگرم بیست تومن گرفتم. دیروز هم از یکی دیگر بده تومن گرفتم. آخر پول هم که نمیمانند آدم خرج دارد. بخدا قسم خرج من روزی چهار تومن است. غذا کم که نان بربری است که خشک میخورم بدون هیچ چیز. کرایه ماشین هم که میباید بدهیم. آخر آدم که نمیتواند این شلوارش را هم بفروشد. چیز دیگری هم که نداریم - پس چه بکنیم آقا....؟

اگر چهل و پنج روز را بدهند شما راضی هستید؟

نمیدهند که آقا - هی امروز فردا می‌کنند. هر روز می‌آیم از صبح تا عصر اینجا ایم آقا - امروز هم که در راه است. و نوشته اند تعطیل است. در دادگستری... میگویند دانشجویان می‌آیند شما را تحریک میکنند...؟ می‌آیند آقا - بما میگویند که شما زیر بار نروید و حقتان را بگیرد و از این حرفها - اما ما کسه حالیمان هست آقا - گوش نمی دهیم. حال گفتیم اصلاحی کسی بحث نکنند که این حرفها پیش نیاید... پس گله شما از دولت چیست و می خوا هید دولت برایتان چکار کند؟ آقا من ۹ ماه است بیکارم خیلیها اینجا چهار ماه و پنج و بیشتر بیکارند. ما که نمی‌گوئیم دولت بد است ما رهبری انقلابیمان را دوست دارم و از آن پشتیبانی میکنیم - از دولت آقای بازرگان هم کاملاً پشتیبانی میکنیم - فقط از دولت هم انتظار داریم که از ما پشتیبانی بکند. ما خون دادیم چون دادیم تا این دولت روی کار آمد که ما چیزی نمی‌خواهیم. میگوئیم گرسنه ایم و کار می‌خواهیم و این حداقل وظیفه دولت است که برای ما کار ایجاد کند....

آقا من هفت تا بچه دارم - پنج ماه هم هست بیکارم. بخدا مدتی است که از خجالت دیگر منزل نمیروم هرچه هم که قرض کردیم خوردیم دیگر تا ابدا که با دم قرض نمیدهند. گدا هم که نیستیم آقا. بخدا اگر گدا بودیم الان کنار خیابان وای می‌ستادیم دستمان را دراز میکردیم تا یکساعت دیگر خرج نارهارمان در می‌آمد. اما ما زحمتکشیم آقا - این دستها را نگاه کنید - ما همه عمرمان زحمت کشیده ایم و نان بازوی خودمان را خورده ایم. ما نمی‌توانیم گدائی کنیم.

بقیه در صفحه دوم

توضیح این مطلب باید کمی به عقب برگردیم. ساختمان سوسیالیسم در روسیه هنگامی آغاز شد که طبقه کارگران کشور کمتر از زده درصد جمعیت کشور را تشکیل میداد. اقتصاد کشور بر اساس چهار سال شرکت در جنگ جهانی اول و سه سال تهاجم وسیع امپریالیست‌ها و جنگ‌های داخلی روبه نابودی کامل رفته بود. توده‌های وسیع دهقانان کشور با

من اتفاقاً از بلندی افتادم. ما سه تا بودیم. دوتا کرد بودند و من لژ. آنها اول افتادند و من افتادم رویشان آنها آقا هردو مردند و من یک پام خرد شد. آنوقت حاجی رئیس

عوامل امپریالیسم امریکا در کردستان

امپریالیسم آمریکا و عمالش در منطقه خاور میانه مشغول فعالیت‌های گسترده‌ای علیه انقلاب، دولت و خلق‌های میهن ما در غرب کشور (مناطق مرزی ترکیه و عراق) هستند. امپریالیسم زخم خورده و خونخوار آمریکا به همین سادگی حاضر به ترک صحنه نیست و سرخستانه علیه استقلال میهن و انقلاب ما خرابکاری میکند. هم‌اکنون سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" تمام نیروهای ارتجاعی و دستگا‌های جاسوسی محلی و منطقه‌ای خود را علیه ایران بحرکت درآورد است. "ساواک"، "میت" (سازمان جاسوسی ترکیه)، "موساد" (سازمان جاسوسی اسرائیل)، سازمان جاسوسی عراق، خانها و فئودال‌های سابق محلی، با زمانندگان نیروهای ارتجاعی ملامطفی با رزانیسی ("قیاده موقت") یعنی‌های عراق و فیلانژیست‌های لبنان، همه دست‌بندست هم‌داشته و دست‌اندرکار طبقه‌گزارشاتی که به ما رسیده نزدیک به ۹۰ درصد مسئولین ساواک در کردستان از ایران خارج شده و به عراق و ترکیه رفته و در آنجا متمرکز شده و طبق برنامه به فعالیت‌های تخریبی مشغولند. اکثریت ساواکی‌ها بخش جنوبی کردستان (مریوان، پاوه و قصر شیرین) به کردستان عراق رفته و در شهرهای پنجوبین و حلبچه مستقر شده‌اند. پالیزیستان استاندار سابق کرمانشاه که فراری است و مردم برای دستگیریش جایزه تعیین کرده‌اند نیز در این منطقه مرزی عراق مستقر است و فعالیت ساواکی‌ها را هدایت میکند و به توطئه‌چینی

مشغول است. ساواکی‌های شمال کردستان (اشنویه، خانه، مه‌باد نغده) به مرز ترکیه رفته و به نیروهای مسلح "قیاده موقت" (دستگاه ارتجاعی که پسران با رزانی گردانندگان آن هستند و با زوی مسلح "سیا" در منطقه می باشد) ملحق شده اند و با "میت" ترکیه تحت نظر و برنام‌های "سیا" همکاری میکنند. "قیاده موقت" در جلدیان و اشنویه مقر عملی دارند و با ساواک و سازمان امنیت عراق همکاری میکنند. "قیاده موقت" در منطقه "هاوکاری" واقع در حدود مرزی ایران، عراق، ترکیه فعالیت و بخش عمده‌شان در کردستان ترکیه مستقر است که به عوامل ملشان در ایران کمک می‌رساند. عده‌ای از فیلانژیست‌های لبنان هم در ترکیه بوده و با آنها کار میکنند. در ترکیه "موساد" اسرائیل هم شدیداً فعال است و با "میت" و عوامل ساواک همکاری مینماید. مرزهای ایران با ترکیه و عراق کاملاً زاپست، بطوریکه گروه‌های مسلح بدون هیچ کنترلی آزادانه رفت و آمد میکنند. باقیمانده ساواکی‌ها در کردستان بمیان ایل خودشان رفته و از حمایت روسای عشیره برخوردارند. در تمام کردستان (بغیر از کرمانشاه) تنها معدودی و بنا به گفته‌ای فقط ۲ نفر ساواکی را دستگیر یا اعدام کرده‌اند و ساواک افراد ساواک سرکوب نشده‌اند. در میان عشایرشان مخفی شده‌اند. و با به عراق و ترکیه رفته‌اند. از جمله تحریکات و توطئه‌های جریانی ارتجاعی حملات برخی روسای عشایر فئودال‌ها علیه

دهقانان برای غصب مجسده زمینهاست. اکنون روشن شده است که برخی از همین عشایر و خانها که دهقانان را مورد حمله قرار داده و زمینهايشان را غصب کرده‌اند، خود از عتق‌سال ساواک بوده و با همکاری نزدیکی با ساواک در سرکوب و تعقیب و معرفی دهقانان مبارز داشته‌اند. چندی قبل حکومت بعث عراق نیز ۳ هلیکوپتر برای انتقال خانواده سالار جاف به کردستان ایران روانه کرده و آنها را به "کلار" (منطقه عشایر جاف در عراق) برده و تحت حمایت قرار داده است. همچنین دولت عراق پول زیادی در اختیار عتق‌سال میهن فروشی قرار داده که بمصرف عملیات تخریبی در ایران برساند. مادر شماره ۴ "رنجیر" از فعالیت‌های ساواک در فارس پرده برداشتیم و به دولت موقت آقای مهدی بازرگان هشدار باش دادیم این بار نیز با توجه به گستردن فعالیت‌های "سیا" - ساواک بخصوص در کردستان، مجدداً هشدار می‌دهیم و قاطعانه خواهانیم که دولت با بسیج تمام نیروهای مترقی و امکانات ممکن، سریعاً به سرکوب این عناصر و پاک‌سازی منطقه از عوامل "سیا" ساواک پرداخته و بیش از این فرصت ندهند که این جنایتکاران با توسعه نفوذ و فعالیت‌های خود، دستاورد‌های انقلاب را مورد تهدید قرار دهند. توده‌های مردم کردستان بی‌شاز همه این‌خطر جدی را لمس میکنند و آماده‌اند تا تمام نیرومزدوران و جاسوسان "سیا" ساواک را درهم کوبند.



اعلامیه

به حمایت از دهقانان ارومیه بیاخیزیم

هم‌زمان با رشد مبارزات انقلابی در سال گذشته، خانها و اربابان وابسته به رژیم سابق، از جمله حاجی سامی و جها نگیر آقا که در خونخواری و سرسپردگی به رژیم سابق بهلوی شهرت بسزائی در منطقه دارند، دست به توطئه‌گری زده و بلافاصله بعد از فرار شاه جلاد و پیروزی انقلاب اسلامی میهنمان، برای ضربه‌زدن و تخریب وارد عمل شدند. آنها که طی سالیان در از میلیونها دهقان ایرانی را از هستی ساقط کرده بودند، با پشتیبانی و همکاری عمال ساواک و پسران با رزانی (قیاده موقت)، تحت نام اسلام و اینکه اصلاحات ارضی را رژیم سابق کرده و امام خمینی زمین‌ها را با ما پس داده، به دهقانان مناطق صومالی، برادوست، مرگ و روت‌رگ و در کردستان حمله برده با اخاذی دهها هزار تومان از هر خانواده، غارت و خلع سلاح آنها، تخریب منازل، غصب زمین‌ها و با غارتشان و تخریب تراکتورها ایشان و شکنجه دادن، تجاوز به ناموس و کشتار پرداخته و بالاخره با تهدید به قتل، بیش از ۱۰۰۰ (هزار) خانوار را به زور اسلحه زده‌هاست بیرون ریخته و متواری کرده‌اند. دهقانان غارت‌ورانده شده هم‌اکنون با خانواده‌های خود در وضع اسفناکی در حوالی کشتارگاه ارومیه، در اردوگاه زیبوه، در اطراف شهر سلیمان و بیات، در سرما و باران شدید بدون داشتن سرپناه و هیچ وسیله ابتدائی دیگر زندگی، غذا، لباس، دارو، و حتی آب آشامیدنی بسر می‌برند. عده‌ای از این دهقانان نیز زردر شهرداری ارومیه بخاطر رسیدگی به وضع آنها متحصن شده‌اند. سازمان انقلابی ما رگبستی - لنینیستی ما که همواره از خواسته‌های بحق و منافع زحمتکشان میهنمان بویژه کارگران و دهقانان و همچنین ملیت‌های تحت ستم بخصوص خلق قهرمان کرد دفاع کرده، این بار نیز از امر عادلانه دهقانان مناطق مذکور، خواست با زکشت به زمین‌هايشان قاطعانه پشتیبانی نموده و مجازات فوری خانها، مالکین، عوامل ساواک و دیگر توطئه‌گران و حامیان آنها را که دشمنان خلق‌های میهن ما هستند خواستار است. دهقانان غارت‌شده خواهان است‌هايشان را طی قطعنامه‌ی ۷ ماده‌ای اعلام کرده‌اند که ما عین آن را در زیر می‌آوریم:

- ۱- برگرداندن روستائیان به زمین‌های خود.
- ۲- جبران خسارت‌های وارده بر دهقانان و بازگرفتن احشام و اموال غارت‌شده توسط اربابان.
- ۳- واگذار کردن زمین‌های کشت‌شده که بوسیله اربابان شخم زده شده و بجای آن بذردیگری کاشته شده است.
- ۴- رسیدگی فوری به وضع خانواده‌های روستائیان غارت‌شده که اکنون بدون غذا و مسکن آواره هستند.
- ۵- خواستار برکناری و کویته کردن دست‌ارباب‌ها از کمیته‌های شهر ارومیه.
- ۶- تشکیل گروه‌های مسلح پاسداری انقلاب از خود دهقانان برای حفاظت از منطقه.
- ۷- انجام اصلاحات ارضی و زمین‌بردن کامل روابط خان‌داری.

بقیه در صفحه پنجم

راضی هستید؟ اگر چه روزی بیست و سه نیمی توانیم گدائی کنیم.

بقیه در صفحه دوم